

## معناشناسی روایی، چستی و مبانی اعتبار\*

علی راد\*\* و حامد دهقانی فیروزآبادی\*\*\*

### چکیده

معناشناسی روایی قرآن، به معنای منبع دانستن روایات اهل بیت علیهم‌السلام در معناشناسی این کتاب الهی، ضرورتی است که با توجه به برخی کمبودها و کاستی‌ها در عمل کردن لغویان و نیز مختصات معناشناختی قرآن، پیش چشم داشتن آن در فرآیندهای قرآن‌پژوهی نتایج شگرفی به دنبال دارد. ارزیابی مبانی اعتبار و کارآمدی رویکرد معناشناختی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام در فهم قرآن کریم، هدف اصلی این نوشتار است. بررسی مصادر اولیه لغت عربی، نشان از آن دارد که عمل کردن لغویان در بازنمایی واقعیت‌های زبانی آن روزگار با آسیب‌های جدی روبه‌رو است. در مقابل به دلیل اوج فصاحت و سخن‌وری اهل بیت، هم‌ترازی زبان ایشان با سبک زبانی قرآن، ساختارمندی دستگاه نقل حدیث شیعه و ناچیز بودن آسیب نقل معنا در آن، نه تنها استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام شایسته است، بلکه این منبع واژگانی کارآمدی بیشتری نسبت به دیگر مصادر لغوی در معناشناسی قرآن دارد.

واژگان کلیدی: معناشناسی قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام، معناشناسی روایی، حجیت قول لغوی، معاجم لغوی.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵.

\*\* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - پردیس فارابی: hdf.deghani@gmail.com

\*\*\* دانش‌آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران - پردیس فارابی (نویسنده مسئول): ali.rad@ut.ac.ir

## مقدمه

دوره درخشان و طلایی دانش لغت، همان سده شکل‌گیری این دانش و چندی بعد از آن بوده است. ارزشمندترین دیدگاه‌ها و مهم‌ترین نظریه‌ها در عرصه واژه‌پژوهی، در همان چند قرن نخست هجری مطرح شدند. در قرن چهارم و با بی‌ارزش شدن منبع اصلی اهل لغت، یعنی سرایت فساد زبانی به اهل بادیه، این دانش دچار رکودی سنگین گشت و جز تکرار سخنان پیشینان در نظم و چینشی نو، این دانش حرکت چشم‌گیری نداشت.

دانش لغت در حالی با خلأ «منبع» در فهم واژگان روبه‌رو گشت که هم‌چنان با پرسش‌های فراوانی درگیر بود و بسیاری از دقایق و ظرافت‌های معنایی واژگان به دلیل دور افتادن از عصر نزول بر اهل فن پوشیده مانده بود. هر قرآن‌پژوهی با اندک انسی با متن قرآن و دقت در هم‌نشینی‌های واژگانی آن، به نیکی درمی‌یافت که بسیاری از واژه‌های قریب‌المعنی دست کم در «کاربرد» و استعمال، تفاوت جدی دارند، اما وی با این وجود قادر به تبیین زوایای معنایی هر واژه نبوده و به ناچار خود را با کوهی از واژگان «مترادف‌نما» روبه‌رو می‌دید. در این میان برخی نظرات نو در عرصه معناشناسی مفردات قرآن نیز به جای آن که امیدآفرین باشند، به دلیل عدم پیروی از روشی متقن و متکی نبودن بر کاربردهای اصیل زبانی، ماهیتی «اجتهادی» و ذوقی پیدا کرده و با افزودن قولی بر اقوال پیشینان، تنور اختلافات را داغ‌تر کرده و گره مشکل را تنگ‌تر.

این همه نشان‌گر آن است که معناشناسی مفردات قرآن کریم سخت نیازمند دست‌رسی به مجموعه‌ای از کاربردهای اصیل زبان عربی است که بدان بتوان به ظرایف معنایی واژگان و راه حلی برای پایان دادن به اختلافات اهل لغت دست یافت. دانش لغت عربی تافته‌ای جدا بافته از دیگر دانش‌های بشری نیست و آن نیز هم‌چون هر دانشی، حرکت و جریان خود را وامدار به پیش چشم قرار دادن پرسش‌هایی نو، روش‌هایی تازه‌تر و کارآمدتر است، چرا که در غیر این صورت هم‌چون گذشته، سلسله تکرار مکررات در تألیفات لغوی ادامه یافته و پرسش‌های دیرین بی‌پاسخ خواهد ماند.

هدف اصلی پیش روی این نوشتار آن است که آیا کاربردهای زبانی گسترده‌ای که در قالب

۱۴۸ روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در دسترس ماست، از چنان شایستگی و اصالت زبانی برخوردارند که پایه‌های یک استدلال لغوی را تشکیل دهند؟ آیا هم‌چون آیات قرآن، اشعار جاهلی و یا سخنان بادیه‌نشینان عرب می‌توان از استعمالات یک واژه در کلام عترت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز در معناشناسی قرآن بهره گرفت؟ هدف دیگر آن است که آیا معناشناسی روایی، بر فرض اعتبار، می‌تواند گرهی از مشکلات معناشناختی قرآن‌پژوهان باز نماید؟ نوشتار حاضر تلاشی است در راستای بنا نهادن بنیانی نظری برای منبعی نه چندان مقبول در معناشناسی قرآن، یعنی روایات اهل بیت (علیهم‌السلام).

فرضیه اولیه آن است که سخنان اهل بیت علیهم السلام - مفسران راستین قرآن، پاکان از گناه، خطا و نیز آشناترین کسان به فصاحت و بلاغت زبان عربی - در معناشناسی قرآن کریم به لحاظ ادبی ارزش مند و راه گشا بوده و در مقایسه با منابعی هم چون واژه نامه ها و اشعار جاهلی، از ارزش ادبی و اعتبار صدوری بیشتری برخوردار است.

### پیشینه

در سال های اخیر، پژوهش های درخوری پیرامون روایات لغوی انجام شده است که از آن جمله، کلان پروژه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم است که ارزیابی تطبیقی روایات اهل بیت علیهم السلام با دیدگاه های اهل لغت در مفردات قرآن را موضوع پژوهش قرار داده است. نمونه مشابه این کلان پروژه، سه پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه قرآن و حدیث است که به گردآوری تمامی روایات تفسیری - لغوی اهل بیت علیهم السلام و روش شناسی آنها پرداخته است. چندین مقاله نیز پیرامون تعریف روایات لغوی اهل بیت علیهم السلام، گونه شناسی و کارکردشناسی تألیف شده اند.

در زمینه استشهاد لغوی به روایات اهل بیت، هیچ گونه پژوهش جدی و مستقلی رخ نداده است. گرچه ریشه های این رویکرد را می توان در فعالیت های علمی بسیاری از قرآن پژوهان شیعه پی گرفت. برخی قرآن پژوهان معاصر نیز به امکان استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم السلام توجه داشته و اشاراتی کوتاه به آن داشته اند.

وجه تمایز این نگاشته از پژوهش های پیش گفته، نخست برجسته ساختن نگاهی است که بر پایه آن نباید تنها به روایات لغوی اهل بیت علیهم السلام در فهم معانی مفردات قرآن بسنده شود، بلکه برای فهم هر واژه قرآنی انبوهی از استعمالات در مجموعه احادیث شیعه پیش روی ماست که واکاوی آنها پژوهش گر را به زوایای معنایی پنهان آن واژه رهنمون می سازد.

در پی برآورده ساختن اهداف این پژوهش، بر پایه یافته های کتابخانه ای و روشی «تحلیلی - انتقادی» مبانی اعتبار معناشناسی روایی را نموده ایم.

### مبانی اعتبار معناشناسی روایی قرآن

روایت لغوی، روایتی است که اهل بیت علیهم السلام در آن معنای یک یا چند واژه را شرح و تبیین کرده اند. بهره مندی های معنایی از روایات لغوی رویکردی رایج در معناشناسی است که از همان عصر حضور آن بزرگوران با اهتمام ویژه خود اهل بیت علیهم السلام و نیز باور یاران ایشان به مرجعیت اهل بیت علیهم السلام در فهم قرآن، این رویکرد مورد توجه بوده و مجموعه ای سترگ از این دست روایات فراهم آمده است (محمد سند، نقش روایات در فهم آیات، ۱۳۸۲: ۳۱۲).

رویکرد دیگر در زمینه معناشناسی روایی، برداشت معنا از طریق استعمال‌ها و کاربردهای یک واژه در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام است؛ یعنی درست همان گونه که با رجوع به کاربردهای یک واژه در قرآن، شعر جاهلی و یا احادیث نبوی، به ابعاد معنایی آن آگاه می‌شویم، با روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز چنین مواجهه‌ای داشته باشیم. طباطبایی پیرامون این شیوه چنین می‌نویسد: «گونه دیگر استفاده از روایات در فهم لغات آن است که موارد استعمالی واژه در روایات مورد بررسی قرار گیرد. روایات معصومین علیهم‌السلام نمایی از فرهنگ عمومی زمان نزول است. بدیهی است که گونه استعمال الفاظ و اشاره آن‌ها به معانی در روایات، همانند شعر و فرهنگ عربی و حتی بیش از آن‌ها می‌تواند مورد استناد واقع شود» (همان، ۳۱۲-۳۱۳). عبدالکریم اشتر (د. ۲۰۱۱م)، ادیب برجسته اهل تسنن،<sup>[۱]</sup> نیز با اشاره به ظرافت‌های معنایی نهفته در صحیفه سجاده، چنین شگفتی خود را از کاربست واژگان عربی در این کتاب گران‌بها نشان می‌دهد: «از نظر واژگان عربی و فقه اللغه و با توجه به عظمتی که ثروت لغوی صحیفه دارد، صحیفه را می‌توان کارگاهی دانست که انسان در آن کارگاه می‌آموزد که چگونه می‌شود کلمه‌ها را در جایگاه شایسته خود و همراه با مماثل‌ها و متضادهای شان به کار برد» (الاشتر، ملامح من الصفات الفنیة للصحیفة السجادیة).

در ادامه به برخی از مهم‌ترین مبانی اعتبار این دو رویکرد معناشناختی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام و کارآمدی بیشتر منبع روایی نسبت به دیگر منابع لغوی در معناشناسی قرآن، می‌پردازیم:

#### ۱. آسیب‌مندی مصادر اولیه لغت عربی

ساختار نقل اشعار عرب در آغاز بسیار ابتدایی بوده است و رویه لغویان در اخذ و سماع لغت نیز به هیچ وجه نظم و نسق دستگاه‌های نقل حدیث را نداشته است. دلایلی دیگر از این دست نیز یاری‌گر شدند تا فساد زبانی، جعل و کذب برای گنجینه واژگانی عرب مشکل‌ساز شود. برخی از مهم‌ترین آسیب‌های متوجه مصادر اولیه لغت عربی در نگاهی گذرا از این قرار بوده است (ر.ک: دهقانی فیروز آبادی، رویکرد منبع‌گرایانه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام در معناشناسی قرآن؛ مبانی، رهیافت‌ها و نمونه‌ها»، ۱۳۹۶: ۲۵-۴۱):

#### ۱۵۰ الف) فساد زبانی بادیه‌نشینان

در بصره که مهم‌ترین مهد لغویان نخستین بوده است،<sup>[۲]</sup> برگزاری بازار «مرید» در نزدیکی این شهر و حضور گسترده بادیه‌نشینان در آن، مجالی ارزش‌مند برای زبان‌شناسان این شهر به حساب می‌آمده است که از آن به منظور ثبت و ضبط دقیق و بدون واسطه واژگان از اعراب بادیه‌نشین بهره‌گیرند (شلقانی، الأعراب الرواة، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۸). از طرفی، بخش مهمی از گنجینه زبانی لغویان، از طریق بادیه‌نشینانی تأمین می‌شده است که برای برآوردن نیازهای خویش، به شهر بصره

رفت و آمد داشته‌اند (برای آگاهی از اسامی قریب به چهل نفر از ایشان رک: القفطی، إنباه الرواة، ۱۲۰/۴، ذیل عنوان «و من الأعراب الذین دخلوا الحاضرة»). برخی از این اعراب که خود را در کانون توجه جریان ادبی و علمی آن روزگار یافته بودند، یا سراسر هوای بازگشت به وطن خویش را از سر بیرون کرده و در شهر بصره سکونت می‌گزیدند و یا دست کم بیش از مدت معمول، در این شهر درنگ می‌کردند. برخی گزارش‌های تاریخی نشان‌گر آن است که این جدا افتادن اعراب از اصل خویش، پیامد ناگوار فساد زبان را برای ایشان در پی داشته است (از جمله ر.ک: ابن جنی، الخصائص، ۱۳۶۲: ۴۹۱/۲؛ مرزبانی، الموشح، بی‌تا: ۲۳۹؛ زبیدی، طبقات النحویین، بی‌تا: ۱۷۲؛ جاحظ، البیان و التبيين، ۲۰۰۲: ۱/۱۴۹؛ یاقوت حموی، معجم الأدباء، ۱۴۱۴: ۵/۲۱۳۲).

### ب) اختلاف‌های زبانی اعراب

فصاحت زبانی قبیله‌های مختلف عرب به یک اندازه نبوده است. برخی از قبایل، هم‌چون «قریش»، از فصیح‌ترین اعراب به حساب آمده (جاحظ، رسائل الجاحظ، ۲۰۰۲: ۳۰۶؛ ابن جنی، الخصائص، ۱۳۶۲: ۱/۳۹۹. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام، «بنی هاشم» از دیگر طایفه‌های قریش فصیح‌تر شمرده شده‌اند، ر.ک: نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۸۹) و برخی به دلیل هم‌جواری با تمدن‌های آن روزگار و تأثیرپذیری از زبان ایشان، از زبان معیار عرب فاصله گرفته بودند (جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ۱۴۲۲: ۷/۲۹۰). در گستره گویش‌های گوناگون زبان عرب، ناهمگونی‌های بسیاری در کاربرد واژگان و قواعد ادبی وجود داشته است که راویان لغت، هنگام اخذ از اعراب، خواسته یا ناخواسته، از این ناهمگونی زبانی متأثر می‌شدند. مهم‌ترین آسیب گرد آمدن این اختلاف‌های زبانی، پنهان گشتن زبان معیار در بین انبوهی از لغات فاسد و ردی است و در این میان تلاش لغویان در نشان دادن لغات فصیح از غیر آن، بخش عظیمی از دایره واژگان را شامل نشده است. این رویکرد واژه‌پژوهان در گردآوری لغات، برخی خصلت‌های زبانی، هم‌چون ترادف، اشتراک لفظی، واژگان اضداد، ابدال و... را بسیار بیش از واقعیت یک زبان جلوه‌گر ساخته است (در این باره ر.ک: شلقانی، روایة اللغة، بی‌تا: ۳۲۵-۳۴۹).

### ج) جعل و انتحال<sup>۱۳۱</sup> اشعار جاهلی

اشعار جاهلی، یکی از مهم‌ترین مصادر لغویان، عمدتاً به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد و تا حدود قرن دوم که این اشعار به قلم مقید گشتند، راویانی با تکیه بر نیروی حافظه خویش، این اشعار را روایت می‌کردند. گزارش‌های تاریخی فراوانی در دست است که نشان می‌دهد گاه یک راوی برای نزدیکی به بزرگان، کسب مال، کسب شهرت، حب و بغض شخصی و دینی، نزاع‌های علمی، تعصب‌های قبیله‌ای و نژادی و یا ارضای امیال خودخواهانه<sup>[۴]</sup>، شعر جعل می‌کرده و گاه شعر کسی را به خود یا دیگری نسبت می‌داده و به خصوص در ترتیب ابیات و اصل کلمات دست می‌برده است<sup>[۵]</sup>.

#### د) کذب و واژه‌سازی برخی اعراب و لغویان

دقیقاً در راستای همان انگیزه‌های جعل و انتحال اشعار، اعراب و واژه‌پژوهان گاهی به کذب و دروغ روی آورده و در پی جلب منافع خویش، واژه‌سازی می‌کردند، تا جایی که خلیل بن احمد می‌گوید: «عالمان حاذق و ماهر، برای پوشاندن حقیقت و به سختی انداختن دیگران، گاه چیزهایی را در کلام مردم وارد کرده‌اند که در کلام عرب وجود نداشته است» (ازهری، تهذیب اللغه، ۱۴۲۱: ۳۷/۱؛ ابن فارس، الصحاحی، ۱۴۱۸: ۳۴). نقش اعراب به عنوان حاکم و داور در اختلاف‌های بین ادب‌پژوهان نخستین، که روشن‌ترین جلوه آن در اختلاف‌های دو مکتب ادبی کوفه و بصره بوده است، زمینه مناسبی را برای جعل و واژه‌سازی مهیا می‌کرده است. قضیه معروف «زنبوریه»، مناظره بزرگان ادب کوفه و بصره، کسایب و سیبویه (د. ۱۷۷ق)، نمونه‌ای از این نقش‌آفرینی اعراب است (ابن تجری، أمالی ابن الشجری، ۱۴۱۲: ۳۴۸/۱؛ الزجاجی، أمالی، ۱۴۰۷: ۲۴۰؛ یاقوت حموی، معجم الأدباء، ۱۴۱۴: ۲۱۲۵/۵؛ در مورد این آسیب‌رک: شلقانی، الأعراب الرواه، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

#### هـ) اعتماد بر قرائت‌های شاذ

بسیاری از بزرگان لغوی، قاری قرآن نیز بودند، کسانی هم‌چون عبدالله بن ابی اسحاق حضرمی، عیسی بن عمر ثقفی، ابوعمرو بن علاء، خلیل بن احمد، کسایب و فراء. اهتمام بسیار لغویان و دستوریان عرب به قرائت‌های گوناگون قرآن، به دلیل منبع بودن این کاربردهای زبانی از نظرگاه ایشان بوده است. بسیاری از احکام و قواعد این قرآن‌پژوهان شاهی جز یک قرائت خاص نداشته است. احتجاج و استشهاد به هشتاد و چهار مورد از قرائت قرآن در معجم العین به عنوان نخستین قاموس عرب، کافی است تا خلیل بن احمد را پایه‌گذار احتجاج به قرائت در استنباط قضایای لغوی بدانیم (خلیل ابن احمد، «القراءات القرآنیة و توجیها فی کتاب العین»، بی‌تا: ۲۲۸). خلیل به هر گونه قرائتی، اعم از متواتر و آحاد و شاذ، استشهاد کرده است،<sup>[۶]</sup> به طوری که او تنها در هشت مورد قرائت را به کسی نسبت می‌دهد و در دیگر موارد قرائت را به صورت مجهول ذکر می‌کند (همان، ۲۲۹). این رویکرد خلیل تأثیر مهمی بر لغویان پس از خود داشت و ایشان نیز مطابق با رویه او، به صورت گسترده به قرائت‌های قرآنی احتجاج می‌کردند.

۱۵۲

#### و) ناکارآمدی دستگاه ارزیابی وثاقت رجال

لغویان، در همان گام نخست فعالیت علمی خود، اقدام به گزینش مصادر لغت می‌کردند و در این گزینش، گذشته از معیارهای دانشی گوناگون، تعصبات مکتبی و مذهبی نیز بی‌تأثیر نبود. از پی‌آمدهای اختلافات شدید دو مکتب کوفه و بصره، در امان نماندن قریب به اتفاق رجال هر دو مکتب از برچسب‌های جعل و دروغ بوده است.<sup>[۷]</sup> دیدگاه‌های اعتقادی و گرایش‌های مذهبی نیز در

گزینش مصادر لغت تأثیرگذار بوده است. بصریان که قریب به اتفاق ایشان عثمانی مذهب بودند (ابن عبد، العقد الفرید، ۱۴۰۴: ۲۷۵/۷)، تمایلی به اخذ شعر و لغت از علویان نداشتند<sup>[۸]</sup>. معیارهای علمی دخیل در نقد رجال ادب نیز از یک دانش‌ور لغوی تا دیگری تفاوت‌های بسیاری داشته است و آنچه قضاوت در مورد وثاقت راویان را دشوار می‌سازد، عدم اهتمام لغویان نخستین به بحث جرح و تعدیل بوده است<sup>[۹]</sup>.

### ز) اجتهادات واژه‌پژوهان

گذشته از اجتهادات لغویان در نقد رجال و گزینش‌های مکتبی و مذهبی ایشان در این امر، هنگام بیان معانی واژگان نیز واژه‌پژوهان از گرایش‌های فکری و مذهبی‌شان اثر پذیرفته‌اند. آیت‌الله سیستانی به همین دلیل اقوال لغویان را حجت نمی‌داند: «ما در بحث حجیت قول لغوی با پرداختن به تاریخ تدوین لغت و علمای آن، به این نتیجه مهم رسیدیم که از عوامل مورد اعتماد نبودن اقوال لغویان، تأثیرپذیری ایشان از مذاهب فکری‌شان در تفسیرهای لغوی‌شان است؛ برخی لغویان متکلم و برخی دیگر فقیه بوده‌اند و رویکرد مذهبی آن‌ها در تفسیر و شرح مفردات لغوی منعکس شده است و سخن ایشان نشان‌گر فهم عربی خالص نیست» (الرافد فی علم الأصول، ص ۲۴. برای روشن شدن این دیدگاه آیت‌الله سیستانی، کافی است با آگاهی از رویکردهای کلامی و فقهی قاموس‌نویسان، به این نمونه‌ها رجوع کنید: ازهری، تهذیب اللغه، ۱۴۲۱: ۷/۲؛ ابن اثیر، النهایه، ۱۳۶۷: ۲۷۸/؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۴۰۴: ۷۰/۴ و ۲۸۷/).

### ح) عجمی بودن بسیاری از واژه‌پژوهان

بسیاری از ادب‌پژوهان عرب، هم‌چون سیبویه، کسایی، فراء، ابوعلی فارسی، زجاج و قریب به اتفاق قاموس‌نویسان هم‌چون: ابوعبید قاسم بن سلام، ابن درید، ازهری، صاحب بن عباد، جوهری، ابوهلال عسکری، ابن فارس، راغب، ثعالبی، ابن سیده، زمخشری و... همگی به نژادهایی عجمی منتسب هستند. کورانی بزرگ‌ترین نقطه ضعف راغب را آن می‌داند که او در اصفهان زیسته است و جزری به جای دیگری مسافرت نکرده است، او با عرب نیامیخته و در سخنان ایشان کاوش و دقت نکرده تا ذوق و طبع او با زبان عربی آشنا گردد (راغب اصفهانی، مفردات الراغب الإصفهانی مع ملاحظات العاملی، ۱۴۳۴: ۶-۷).

### ۲. شهرت و تواتر تاریخی فصاحت و بلاغت اهل بیت (علیهم‌السلام)

اهل بیت (علیهم‌السلام)، فاتحان قله زبان و امیران کلام بوده‌اند: «إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ وَ عَلَيْنَا تَهَدَّتْ عُصُونُهُ» (رضی، نهج البلاغه، ۳۵۴): «ما امیران کلامیم، و درخت سخن در ما ریشه دوانده، و شاخه‌هایش بر ما فروهشته است». سخنان فصیح و بلیغ اهل بیت (علیهم‌السلام)، چنان بر جان‌های

پیروان ایشان، مسلمانان و بلکه نامسلمانان اثر کرده است که از هر گوشه و کنار تاریخ، فریاد ستایش این سخنان و پذیرش عجز از هم‌آوردی با آن‌ها، بلند است. گزارش‌های تاریخی بسیاری در دست است که هر یک به نحوی سخن‌وری و زبان‌دانی خاندان پیامبر ﷺ را بازگو می‌کنند؛ از ستایش‌های متعددی که از زبان‌آوری امیرالمؤمنین ﷺ به دست رسیده است تا تمجید همگان از ارزش ادبی دو کتاب نهج البلاغه و صحیفه سجاده، از سخن گفتن حضرت رضا ﷺ با اقوام گوناگون به زبان خودشان<sup>[۱۱]</sup> تا جریان اعجاز حضرت حجت ﷺ و سخن گفتن ایشان در همان نخستین روزهای عمر شریف‌شان (طوسی، الغیبه للطوسی، ۱۴۱۱: ۲۳۹)<sup>[۱۱]</sup>.

نکته مهم آن‌که با اثبات زبان‌دانی و سخن‌وری ذریه پیامبر ﷺ، خود به خود پندار نادرست برخی در مورد فساد زبانی ائمه متأخر، که خارج از «عصر احتجاج»<sup>[۱۲]</sup> زیسته‌اند، از بین می‌رود؛ چرا که اهل لغت خود اذعان داشته‌اند که تنها معیار در امکان احتجاج به سخنان یک شخص، فصاحت و زبان‌آوری اوست، چنان‌که با اطمینان به فصاحت یک فرد شهرنشین، با او هم‌چون بادیه‌نشینان برخورد شده و بایسته است به سخنان او احتجاج شود و بالعکس؛ «لو علم أن أهل مدینه باقون علی فصاحتهم، و لم یعرض شیء من الفساد للغتهم، لوجب الأخذ عنهم كما یؤخذ عن أهل الوبر. و كذلك أيضا لو فشا فی أهل الوبر ما شاع فی لغه أهل المدر من اضطراب الألسنه و خبالها، و انتقاض عاده الفصاحه و انتشارها، لوجب رفض لغتها، و ترک تلقی ما یردّ عنها» (ابن جنی، الخصائص، ۱۴۲۹: ۱/۳۹۳)<sup>[۱۳]</sup>.

### ۳. هم‌ترازی زبان اهل بیت ﷺ با سبک زبانی قرآن

ظهور اسلام پدیده‌ای بوده است که با خود ژرف‌ترین تغییر و تحولات فکری و اجتماعی را به دنبال داشت و انقلابی عظیم در اندیشه و به تبع آن زبان اعراب پدید آورد. بسیاری از واژه‌ها در زبان قرآن لباسی جدید بر تن کرده و با اشاره‌ای به معانی پیشین خود، دلالت‌هایی نو و تازه یافتند؛ مثلاً اگر واژه «نفاق» برای اعراب پیش از اسلام یادآور راه‌گریز سوراخ‌های موش صحرائی بود، پس از هجرت این واژه بیش از هر چیز بر روحیه دورویی و فتنه‌انگیزی گروهی مسلمان ظاهر ساز دلالت داشت. ابن فارس در کتاب «الصاحبی فی فقه اللغه» بابتی را به موضوع تأثیرات اسلام بر زبان عربی اختصاص داده و در آغاز آن چنین می‌نویسد: «کانت العرب فی جاهلیتها علی إرث من إرث آبائهم فی لغاتهم و آدابهم و نسائکهم و قرابینهم، فلما جاء الله تعالی بالإسلام حالت أحوال و نُسخت دیانات و أبطلت أمور و نقلت من اللغه ألفاظ من مواضع إلی مواضع آخر، بزیادات زیدت و شرائع شُرعت و شرائط شُرطت، فعنی الآخر الأول» (ابن فارس، الصاحبی فی فقه اللغه، ۱۴۱۸: ۴۴)<sup>[۱۴]</sup>.



«واژگان دینی» که از دیرباز قرآن‌پژوهان مسلمان با عناوینی چون «الحقیقه الشرعیه» و یا «الکلمات الإسلامیه» از آن یاد کرده‌اند، در قاموس قرآن گستره وسیعی دارند و البته مهم‌تر از بسامد بالا، در فهم اندیشه دین‌نقشی محوری و اساسی ایفا می‌کنند؛ واژگان فقهی، واژگان عالم غیب، اسامی خداوند متعال، اسامی قرآن، اسامی دسته‌ها و گروه‌ها، اسامی گناهان، اسامی اعمال نیک و بسیاری دیگر، همگی نمونه‌هایی از این دست واژگانند، واژگانی که گذشته از معنای لغوی، دارای «سطح معنایی دینی» هستند<sup>[۱۵]</sup>.

سطح نخست معنایی (معنای لغوی) نزد تمامی عرب‌زبانان روشن بوده است و پس از گذر زمان و پوشیدگی‌های پدید آمده در فهم واژگان قرآن، قاموس‌ها در پی بازنمایی این معنای لغوی برآمدند، اما فهم سطح دینی واژگان قرآن از چه طریق ممکن است؟ آیا واژه‌نامه‌ها در این جا نیز کارآمد هستند؟ پاسخ منفی است؛ چرا که منبع اهل لغت بادیه‌نشینان و اشعاری بوده‌اند که زبان جاهلی را نمایندگی می‌کردند و نه زبان قرآن. اگر در مواردی نیز یک لغوی به شرح و تبیین واژگان دینی پرداخته است، این گفته‌ها دیدگاه‌ها و اجتهادهای شخصی او و یا امثال او بوده است که در این گونه موارد تمامی فقیهان بر عدم حجیت قول لغوی اتفاق دارند.

از این رو روشن است که فهم حدود معنایی واژگان دینی تنها از طریق «کتاب» و «سنت» امکان‌پذیر است، چنان‌که برای فهم معنای یک اصطلاح علمی باید دید اهل آن علم آن واژه را در چه معنایی به کار می‌برند و سراغ گرفتن از معنای لغوی در این جا ثمره‌ای جز برخی حدس و گمان‌ها پیرامون «معنای اصطلاحی» نمی‌تواند داشته باشد. احسانی فر با جای دادن تمامی روایات مشتمل بر واژگان قرآن در مجموعه روایات تفسیری شیعه، درباره کاربست دینی و قرآنی واژگان در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام چنین می‌نویسد: «حدیثی که واژه‌ای خاص از واژگان موجود در آیه را به کار می‌برد، بی‌آنکه ناظر به خود آیه باشد... به لحاظ آمیختگی تمام شؤنون اهل بیت علیهم‌السلام به حقایق قرآنی، چشم اندازه‌های آنان درباره آن واژه خاص روشن می‌گردد» (احسانی فر، طرحی نو در تبیین غنای تفسیری در احادیث اهل بیت، ۱۳۸۴: ۲۷۱). عبدالعال سالم مکرم نیز با توجه به همین نکته، با نامیدن واژگان ناظر به عالم غیب به «ألفاظ السمعیات»<sup>[۱۶]</sup> در مورد آن‌ها می‌نویسد: «السمعیات هی الکلمات التی لا تُعرف دلالتها إلا بالأخبار الصادقه التی أخبر بها الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و لیس للعقل قدره علی أدراکها أو للخیال قوه للعود إليها» (سالم مکرم، الکلمات الإسلامیه فی الحقل القرآنی، ۱۴۱۷: ۷۱).

#### ۴. ساختارمندی دستگاه نقل حدیث شیعه

گزارش هر پدیده تاریخی، به اقتضای ماهیت آن، ممکن است از آسیب‌های گوناگونی اثر پذیرفته و آن را از مسیر آغازینش دور سازد. احادیث و گزارش‌های اسلامی نیز از شمول این قاعده خارج نبوده و ممکن است یک روایت در هنگام نقل آن از آسیب‌هایی چون: تصحیف، تحریف، قلب، درج، سقط، اضطراب، تقطیع، اختصار، نقل معنا، جعل و... خدشه‌دار شده باشد. اما در این میان، مجموعه احادیث اهل بیت علیهم‌السلام داستانی بس دیگرگون دارد، چنان‌که با تدابیر و اقدامات آن حضرات، سخنان ایشان از همان زمان صدور آن با تمهیدات ویژه‌ای از بسیاری از آسیب‌ها مصون مانده و کلام اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها از نظر معانی، بلکه به جهت واژگانی نیز با دقت فراوانی نسبت به دیگر منابع تاریخی به دست ما رسیده است و این ادعایی گزاف نیست که مجموعه روایی شیعه را، پس از قرآن کریم، به لحاظ محفوظ ماندن از گزند آفت‌های پیش‌گفته، از تمامی گزارش‌های تاریخی با این قدمت، از جمله اشعار جاهلی و روایات اهل سنت و زبان بادیه‌نشینان، برتر بدانیم. در راستای بهینه‌سازی فرآیند نقل روایات، اهل بیت علیهم‌السلام و یاران ایشان اقدامات و زمینه‌های گوناگونی را ترتیب داده‌اند تا فرمایشات ایشان چه در مرحله «تحمل و نشر احادیث» و چه در «اخذ و سنجش احادیث» صدمه نبیند. برخی از این زمینه‌سازی‌ها که در مصون ماندن واژگان، عبارات و ساختارهای زبانی به کار رفته در کلام اهل بیت علیهم‌السلام بسیار نقش داشته است، از این قرار است: ترغیب اهل بیت به نقل حدیث، مستند کردن حدیث و توصیه به ذکر اسناد، تأکید بر کتابت احادیث، سفارش اهل بیت به امانت‌داری در نقل حدیث، ارائه شاخص‌های اعتبارسنجی، عرضه احادیث<sup>[۱۷]</sup>.

#### ۵. ناچیز بودن آسیب نقل معنا

آفت نقل معنا با این‌که در نخستین نگاه، مانعی پیش روی استشهاد لغوی به روایات به شمار می‌آید، با ملاحظاتی چند که در ادامه می‌آید، باید دامنه تأثیر آن را در معناشناسی روایی اندک دانست:

##### الف) ناچیز بودن فاصله بین صدور و کتابت احادیث اهل بیت علیهم‌السلام

از اهل بیت علیهم‌السلام سفارش‌های مکرر داریم که به نگارش فرمایشات ایشان اشاره دارد (برای

نمونه ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۴۴-۱۵۳؛ احمدی میانجی، مکاتیب الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۱۴۲۱: ۱/ ۳۵۹-۴۰۲) و نیز گزارش‌های تاریخی نیز بیان‌گر آن است که دست کم راویان پرحدیث همراه با ادوات کتابت نزد این بزرگواران حاضر شده و در همان مجلس احادیث را مکتوب می‌کردند (از جمله ر.ک: کلینی، رجال الکشی، ۱۴۰۹: ۱۴۳؛ کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۱/ ۱۳۲، ح ۱۵: ۳/ ۱۵۳، ح ۹ و ۴/ ۱۳۳، ح ۱؛ برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۱۶، ح ۱۰۶ و ۲۳۶، ح ۲۰۴؛ صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۳۳، ح ۵؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۶۰، ح ۲۹؛

ابن طاووس، مهج الدعوات، ۱۴۱۱: ۲۱۹ و ۲۰۳). مرحوم شیخ حر عاملی پس نقل یکی از این سنخ روایات، می‌نویسد: «و مانند این حدیث واقعاً بسیار است، احادیثی که نشان می‌دهند اصحاب ائمه علیهم‌السلام در مجالس ایشان احادیث را می‌نوشتند و چه بسا در مواقعی خود ائمه علیهم‌السلام با دست خط خود برای اصحاب کتابت می‌کردند» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۸۳/۲۷)<sup>[۱۸]</sup>.

#### ب) محدود بودن گستره نقل معنا

چنان که دانش پژوهان حدیث اشاره کرده‌اند، گستره نقل معنا شامل بسیاری از روایات نمی‌شود، از جمله: ادعیه، اذکار و مناجات‌ها (ر.ک: کلینی، الکافی، ۱۴۰۹: ۴/۴۳۲، ح ۱۷؛ ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ۲/۴۵۲، ح ۵۸؛ برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۲/۳۶۳، ح ۱۰۱، ابن بابویه، کمال الدین، ۱۳۹۵: ۲/۳۵۱، ح ۵۰؛ مامقانی، مقیاس الهدایه، ۱۴۱۱: ۳/۲۵۰) «نقل به معنا در دعا و دوره پس از تدوین»، مکاتبات، رساله‌ها و مصنفات (شهید ثانی، الرعایه فی علم الدرایه، ۱۴۰۸: ۳۱۵)، احادیث کوتاه و نه چندان بلند (مسعودی، آسیب‌شناخت حدیث، ۱۳۹۱: ۱۱۸) و احادیث بسیار بلند و خطبه‌های طولانی، به ویژه حکومتی (همان، ۱۱۹).

در کم‌ترین نتیجه از این محدودیت، می‌توان دو کتاب شریف نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را، به عنوان مهم‌ترین منبع در استندهای معناشناسانه، از آفت نقل معنا برکنار دانست.

#### ج) وقوع نقل معنا در منابع لغویان

نقل معنا در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به برخی منابع واژه‌پژوهان عرب از وضعیت بهتری برخوردار است؛ روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حالی مورد استناد برخی لغویان قرار گرفته است که نقل معنا در حدیث اهل سنت، در مقایسه با روایات شیعه، گسترده‌تر و جدی‌تر است. از طرفی شعر و کلام عرب نیز که همواره به عنوان کاربردهای زبانی اصیل مورد استشهاد قرار می‌گیرند، از آسیب‌های گوناگون هنگام نقل در امان نبوده‌اند (الافغانی، فی أصول النحو، ۱۴۰۷: ۵۱-۵۲).

#### د) مصونیت کلیدواژه‌ها از نقل معنا

بررسی نمونه‌های نقل معنا در روایات اهل بیت نشان‌گر مصون ماندن «واژگان کلیدی» در فرآیند نقل است؛ به عنوان نمونه در روایتی از امیرالمؤمنین پیرامون غصب فدک، با آن‌که روایت از چندین طریق و با تفاوت‌هایی در تعبیر به دست ما رسیده است، اما آن‌چه مغز سخن است، یعنی تقابل دو واژه «سَخَّ» و «سَخَاء» در تمامی نقل‌ها منعکس شده است (طبری، المسترشد فی إمامه علی بن أبی طالب علیه‌السلام، ۱۴۱۵: ۳۷۲؛ شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۲۳۱ و ۴۱۷؛ مفید، الإرشاد، ۱۴۱۳: ۱/۲۹۵؛ مفید، الفصول المختاره، ۱۴۱۳: ۷۷؛ عاملی نباطی، الصراط المستقیم إلی مستحقّی التقدیم، ۱۳۸۴: ۳/۱۱۱؛ ابن بابویه، علل الشرائع، ۱۳۸۵: ۱/۱۴۶؛ مجلسی، بحار

الأنوار، ۱۴۰۳: ۲۹ / ۳۵۰؛ الحلبي، تقريب المعارف، ۱۴۰۴: ۲۴۱ و ۳۴۳). یا در نمونه‌ای روشن‌تر، در مجموعه احادیث «صعب مستصعب» (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۸۲) که حدیث پژوهان آن را مستفیض (البحرانی، الأنوار الحیریه، بی‌تا: ۷۴) یا حتی متواتر (مجلسی، روضه المتقین، ۱۴۰۶: ۱ / ۹۵؛ ۲۵۵ / ۱۰؛ ۱۸۳ / ۱۳؛ ۲۲۴ / ۱۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۱۰۷ / ۷۸) دانسته‌اند، با آن‌که با تعبیر بسیار گوناگونی نقل شده است، واژگان و تراکیب «صعب مستصعب»، «ملک مقرّب»، «نبی مرسل»، «مؤمن / ایمان» و «امتحن / ممتحن» بدون استثناء در تمامی آن‌ها منعکس شده است.<sup>[۱۹]</sup>

### کارآمدی رویکرد معناشناسی روایی

پس از آن‌که مبانی نظری اعتبار رویکرد معناشناسی روایی استوار شد، می‌بایست در میدان عمل نیز کارکرد آن را سنجیده و از عمل‌کرد راه‌گشای آن در حل گره‌های معناپژوهی آسوده خاطر شویم.

#### ۱. اطمینان‌بخشی بیشتر

منابع گوناگون واژه‌پژوهی، هر یک می‌توانند به اندازه‌ای پژوهش‌گر را به فهم معنای واژگان نزدیک کنند، از قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام گرفته تا احادیث اهل سنت و اشعار جاهلی و متون مقدس و... همگی می‌توانند در کنار یک‌دیگر و با تجمیع قرائن و ظنون، حاصلی اطمینان‌بخش داشته باشند. اما در این میان روایات اهل بیت علیهم‌السلام از میان دیگر منابع پیش‌گفته، به لحاظ بسامد بالای کاربردهای زبانی در آن و هم‌چنین به دلیل ساختار منضبط نقل حدیث در شیعه، مسیری ممتاز است و معناپژوه بیش از دیگر منابع به یافته‌های معنایی روایی دل‌آسوده است.

#### ۲. کشفیت و تبیین معنای حقیقی

گذشته از طریق ممتاز ما به منبعی هم‌چون روایات، خود این منبع نیز از آن‌جا که در روایات لغوی متکی بر علم و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام بوده و در استشادهای لغوی بر کاربردهای اصیل زبان عربی تکیه دارد، جایگاهی برگزیده و برتر دارد. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، عنصر «اجتهاد» در عمل‌کرد اهل لغت نخستین نقل‌پررنگی داشته است و ایشان در فرآیند معناپژوهی، گاه از مذهبی ۱۵۸ کلامی یا مکتبی فقهی و یا ادبی تأثیر پذیرفته‌اند.

#### ۳. حل اختلافات لغوی

اختلافات میان اهل لغت چنان گسترده است که جست‌وجوی کلیدواژه «قیل» در لسان العرب، بیش از ۱۲۵۰۰ مورد نتیجه در پی دارد و البته این تنها نمودی از دیدگاه‌های «مجهول القائل» است و باید توجه داشت بسیاری از دیدگاه‌های اختلافی با ذکر قائل آن و با کلیدواژه «قال» قابل پی‌جویی هستند.

داوری میان این اختلاف‌ها و ترجیح یکی بر دیگری یا نادرست شمردن تمامی آن‌ها، تنها از طریق یک مصدر لغوی مطمئن، هم‌چون روایات اهل بیت علیهم‌السلام، امکان‌پذیر است. رویکرد روایی در حل تعارضات و دیدگاه‌های لغوی متفاوت و ناسازگار عمل‌کرد چشم‌گیری دارد و شاید کم‌تر مواردی باشد که نتوان بر پایه کاربردهای روایی یکی از دیدگاه‌های گوناگون موجود در مسئله‌ای لغوی را تقویت کرده و ترجیح داد.

#### ۴. جبران نواقص و کمبودها

یکی از حیاتی‌ترین عرصه‌های معناپژوهی در دوره حاضر، فهم ظرایف معنایی واژگان قرآنی و تبیین تفاوت‌های معنایی واژگان قریب المعنی است. تلاش‌های قاموس‌نویسان در مورد بسیاری از واژگان، در مشخص ساختن حوزه‌های معنایی واژگان متوقف شده و تفاوت‌ها و تمایزهای میان واژگان ذیل یک حوزه معنایی را مشخص نکرده‌اند. اما در این میان اگر کاربردهایی دقیق از واژه‌های قریب المعنی پیش روی ما باشد، کشف ظرافت‌های معنایی این دست از واژگان چندان دشوار نیست. در کم‌کاری لغویان در این زمینه و قحطی استعمالات در واژه‌نامه‌ها، کاربردهای روایی، به ویژه متون ادبی هم‌چون ادعیه، چشمه‌ای زلال برای تشنگان معارف قرآنی است.

#### ۵. تبیین سطح معنای دینی واژگان

چنان‌که گفتیم بسیاری از واژگان در قرآن کریم، گذشته از «سطح معنای لغوی» که ریشه در زبان جاهلی دارد، از «سطح معنای دینی» نیز برخوردار هستند. فهم واژگان دینی منحصر در رجوع به قرآن کریم و بیانات اهل بیت علیهم‌السلام است و معناشناسی این واژگان یا باید از طریق روایات لغوی و یا از طریق کاربردهای آن واژه در آیات و احادیث صورت پذیرد. از این رو یکی از مهم‌ترین امتیازهای معناشناسی روایی، فهم معنای دینی واژگان است، امری که هنگام رجوع به واژه‌نامه‌ها یا بدان نپرداخته‌اند، یا اجتهادهای خود را بیان کرده‌اند و یا آن‌ها نیز از قرآن و روایات بهره‌مند شده‌اند.

#### نتیجه

۱۵۹

اهل لغت به دلیل برخی آسیب‌هایی که متوجه منابع ایشان می‌باشد بازنمایی واقعی و کاملی از زبان عربی عصر نزول قرآن از خود به جای نگذاشته‌اند. آسیب‌هایی هم‌چون جعل و انتحال اشعار جاهلی، فساد زبانی و کذب برخی بادیه‌نشینان و اختلاف‌های زبانی اعراب. و نیز برخی آسیب‌های مربوط به خود ایشان هم‌چون کذب و واژه‌سازی، اعتماد بر قرائت‌های شاذ، ناکارآمدی دستگاه ارزیابی وثاقت رجال، عجمی بودن و ناآشنایی بسیاری از ایشان با ذوق و طبع زبان عربی.

در مقابل به دلیل اوج فصاحت و سخن‌وری اهل بیت، هم‌ترازی زبان ایشان با سبک زبانی قرآن، ساختارمندی دستگاه نقل حدیث شیعه و ناچیز بودن آسیب نقل معنا در آن، نه تنها استشهاد لغوی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام شایسته است، بلکه این منبع واژگانی کارآمدی بیشتری نسبت به دیگر مصادر لغوی در معناشناسی قرآن دارد.

### پیشنهادها

با وجود روایات اهل بیت علیهم‌السلام، به مثابه منبعی «اطمینان‌بخش‌تر» و «کارآمدتر» در معناشناسی قرآن، شایسته نیست پژوهش‌های معناشناختی قرآن تنها بر پایه قاموس‌ها ترتیب داده شوند. امروزه با گسترش ابزارهای داده‌پژوهی، یافتن کاربردهای زبانی یک واژه در گستره روایات بسیار ساده و آسان گشته است، در حالی که این مهم در گذشته جز با تسلط بسیار بر متون روایی ممکن نبود. از این رو باید این فرصت را مغتنم شمرده و با توجه به ظرفیت بالا و واگذاشته روایات اهل بیت علیهم‌السلام در فهم معانی قرآن کریم، از نو «قاموسی قرآنی بر پایه روایات» فراهم آورد. این قلم اطمینان دارد این تلاش می‌تواند ثمراتی بس نوین را در پی داشته و در مورد معنای بسیاری از واژه‌ها یک بار برای همیشه داوری نماید.

حجیت و اعتبار زبانی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام محدود به واژه‌پژوهی نیست و بر اساس مبانی بنا نهاده شده در این نوشتار، برای فهم قواعد و اصول نحوی، صرفی و بلاغی نیز می‌توان این گنجینه ارزشمند را به عنوان «منبع» پژوهش قرار داد؛ چنان‌که مرحوم رضی در شرح کافیة چنین رویکردی داشته و در جای جای این کتاب به سخنان اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه بیانات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه استناد جسته و بر پایه آن‌ها قواعدی نحوی را برداشت کرده است<sup>[۲۰]</sup>.

## پی‌نوشت‌ها

- [۱] زاده حلب و رئیس دانشکده ادبیات عربی دانشگاه دمشق، از اعضای فرهنگستان ادبیات عرب کشور سوریه و عضو «جمعیه النقد الأدبی فی اتحاد الکتاب العرب» که در سال ۲۰۰۷ به افتخار تألیف کتاب «الإعتبار لأسامه المنقذ» جایزه ادبی ابن بطوطه را از مرکز ادبی ابوظبی دریافت کرد.
- [۲] در بین دو مکتب بزرگ ادبی عرب، بصریان پیش از کوفیان به فعالیت علمی در این زمینه پرداختند. بزرگان لغت هم‌چون ابوعمر و بن‌علاء و خلیل بن‌احمد هر دو بصری بودند. از طرفی بسیاری کوفیان، هم‌چون کسایی بزرگ ایشان، به بصره آمده و در نزد دانش‌وران آن دیار علم‌آموزی می‌کردند (الفظی، إنباه الرواه، ۲/۲۵۸؛ ابوالمطیب، مراتب النحویین، ۱۴۳۰: ۱۰۷).
- [۳] سخن یا شعر کسی را به خود یا دیگری نسبت دادن.
- [۴] برای اطلاع از انگیزه‌های جعل در میان راویان و دانش‌وران ادب عرب، رک: مصادر الشعر الجاهلی، ۳۸۷-۳۹۵.
- [۵] در مورد جعل و انتحال در گستره اشعار جاهلی و راستی‌آزمایی این گنجینه ادبی، از دیرباز تا کنون، اندیش‌وران مسلمان و نیز مستشرقان بسیار سخن‌رانده‌اند، از جمله ر.ک: تاریخ آداب العرب، ۱/۲۲۸-۲۴۲؛ تاریخ الأدب العربی العصر الجاهلی، ۱۶۳-۱۷۵؛ مصادر الشعر الجاهلی، ۲۸۷-۴۷۸؛ المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ۹/۳۵۵-۴۰۵؛ سلسله مقالات «نگاهی به تاریخچه انتقاد در شعر جاهلی عرب»؛ فی تاریخ الأدب الجاهلی، ۱۷۴-۲۴۹.
- [۶] «أما القرآن فکل ما ورد أنه قرئ به جاز الاحتجاج به فی العربیه، سواء كان متواترا، أو أحادا، أم شادا. وقد أطبق الناس علی الاحتجاج بالقراءات الشاذة فی العربیه إذا لم تخالف قیاسا معلوما، بل و لو خالفته یحتج بها فی مثل ذلك الحرف بعینه، وإن لم یجز القیاس علیه» (سیوطی، الاقتراح، ۱۴۲۷: ۳۹).
- [۷] محمد حباس می‌نویسد: «و بالجمله فإننا لا نکاد نجد لغویا لم یتکلم فیہ - حاشا أبا عمرو بن‌علاء و الخلیل - فقد کانا محل إجماع علماء المصرین» (حباس، منهج نقد الرجال عند اللغویین العرب القدماء، ۱۴۲۸: ۱۰۹).
- [۸] به عنوان نمونه اصمعی اشعار سید حمیری، از یاران امام صادق و امام کاظم (علیهم‌السلام) و از مشهورترین شاعران شیعه، را با وجود اعتقاد به ارزش والای ادبی آن‌ها، به دلایل اعتقادی نمی‌پذیرفته است (ابوالفرج، الأغانی، ۱۴۱۵: ۱۶۹/۷ و ۱۷۲).
- [۹] به طوری که تنها اثر مستقل مربوط به نقد رجال لغوی، کتاب کم‌حجم «مراتب النحویین» از ابوطیب لغوی است.

[۱۰] عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۲۲۸. تنها محمد بن حسن صفار، در کتاب بصائر الدرجات، ۶۸ روایت را درباره تسلط اهل بیت بر تمامی زبان‌ها و حتی زبان حیوانات، نقل کرده است. ر.ک: صفار، بصائر الدرجات، ۱/ ۳۳۳-۳۵۴. هم‌چنین در این باره ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ۴۹/ ۸۶، باب معرفته صلوات الله علیه بجمیع اللغات و کلام الطیر و البهائم و بعضی غرائب أحواله.

[۱۱] نمایاندن این حقیقت، چنان که سزا است از عهده این قلم خارج و فرصت این مقال را یارای پرداختن به این مثنوی هفتاد من کاغذ نیست، از این رو تنها به گوشه‌ای از گزارش‌های تاریخی پیرامون فصاحت و بلاغت اهل بیت ارجاع می‌دهیم: مقدمه کتاب «مصادر نهج البلاغه و أسانیده»، الأمالی للطوسی، ص ۴۰۰؛ تاریخ الخلفاء، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ الأمالی للصدوق، ص ۱۷۸؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ مطالب السؤل، صص ۲۴۲-۲۴۴ و ۲۵۵؛ الأمالی للمفید، ص ۳۲۱؛ الأغانی، ج ۲، ص ۵۷۷ و ج ۸، ص ۲۵۳ و ج ۱۶، ص ۳۷۳؛ مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۳۷؛ منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ «ملاحم من الصفات الفنیه للصحیفه السجادیه»، الأمالی للطوسی، ص ۴۱۰؛ العقد الفرید، ج ۲، ص ۳۴؛ زهر الآداب، ج ۱، ص ۱۲۴؛ أسنی المطالب، ص ۷۴؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، صص ۱۲۷ و ۲۴۰.

[۱۲] در دیدگاه اصمعی که سخت‌گیرانه‌ترین سنجه‌ها را در ارزشیابی و پذیرش مصادر و منابع لغت داشته است، «ابراهیم بن هرمة» آخرین کسی است که می‌توان به اشعار او احتجاج کرد (الاقتراح، ۵۹)، کسی که در سال ۹۰ هجری متولد شده و عمری دراز داشته و تا سال ۱۷۶ زیسته است (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۵/ ۱۱۰، ذیل «ابن هرمة»).

[۱۳] به عنوان نمونه شافعی با آن‌که در سال ۲۰۴ ق در گذشته است، از سوی برخی اهل لغت بدان روی که از نظر ایشان فصیح بوده و از لحن برکنار، سخنانش را در نحو و لغت حجت شمرده‌اند (تهذیب اللغه، ۳/ ۱۲۴؛ طبقات الشافعیه، ۲/ ۱۶۱؛ سیر أعلام النبلاء، ۱۰/ ۵-۹۹). زمخشری و مرحوم رضی نیز به اشعار ابوتمام (د. ۲۳۱ ق) به دلیل تسلط او بر زبان عرب استناد کرده‌اند (خزانه الأدب، ۱/ ۶-۷). چنان‌که شهاب خفاجی اقوال متنبی (د. ۳۵۴ ق) را بر همین پایه معتبر دانسته است (دراسات فی العربیة و تاریخها، ۳۷).

[۱۴] انقلاب زبانی اسلام به حدی گسترده بود که گذشته از تطورات معنایی واژگان، اسلوب‌ها و ساختارهای زبانی (لغه القرآن الکریم، ۲۸۵-۲۸۶؛ تاریخ اللغه العربیة، ۲۳۵-۲۳۶) و از آن فراتر گونه‌های ادبی آن روزگار را دگرگون ساخت (البیان و التبیان، ۱/ ۲۰۳).

[۱۵] ایزوتسو نیز که در نظریه معناشناسی واژگانی خود مهم‌ترین منبع برای فهم کلیدواژگان قرآن را خود قرآن می‌داند، به این دو سطح معنایی با تعابیر معنای اساسی و معنای نسبی اشاره می‌کند (خدا و انسان در قرآن، ۱۵-۱۶).



- [۱۶] یعنی واژگانی که ما تنها در مورد آن‌ها چیزهایی شنیده‌ایم و هیچ‌گاه نمی‌توانیم آن‌ها را مشاهده کنیم، هم‌چون جنت و جهنم.
- [۱۷] برای اطلاع تفصیلی از این زمینه‌سازی‌ها، ر.ک: «نگاه راهبردی اهل‌بیت در انتشار و پالایش حدیث شیعه و موانع آن».
- [۱۸] برای آگاهی بیشتر در مورد چگونگی نگارش احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام، ر.ک: «بررسی سیر تاریخی کتابت حدیث در شیعه» معارف، مجید، علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸.
- [۱۹] نگاهی به اثر ارزشمند «فقه الحدیث؛ مباحث نقل به معنا» از دکتر پاکتچی که تلاش و جهدی بسیار در گردآوری و دسته‌بندی گونه‌های مختلف نقل معنا دریغ داشته‌اند، نشان از آن دارد که عمده نمونه‌های نقل معنا، واژگانی دم‌دستی و عامیانه هستند که ارزش معنایی ویژه‌ای در انتقال معارف دینی بر عهده نداشته و در پژوهش‌های معناشناسی قرآن چندان اهمیت نمی‌یابند.
- [۲۰] عبدالقادر بغدادی در خزانه الأدب، که شرحی بر شواهد شعری کتاب «شرح کافیه» مرحوم رضی است، درباره استناد شیخ رضی به روایات نبوی و احادیث اهل‌بیت چنین می‌نویسد: «و أما الاستدلال بحديث النبي فقد جوزه ابن مالك و تبعه الشارح المحقق (الرضي) في ذلك و زاد عليه بالاحتجاج بكلام أهل البيت رضي الله عنهم» (بغدادی، خزانه الأدب، ۱۴۱۸: ۹/۱).

## منابع

۱. إبراهيم بن علي بن تميم الأنصاري، أبو إسحاق الحُصري القيرواني، زهر الآداب و ثمر الألباب، بيروت: دار الجيل، بی تا.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق محمود طناسی؛ طاهر احمد زاوی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داورى، ۱۳۸۵ ش.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۸. ابن جنی، أبو الفتح عثمان، الخصائص، تحقیق عبد الحمید هنداوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۹ ق.
۹. ابن شجرى، هبه الله، أمالی ابن الشجرى، تحقیق محمود محمد الطناسی، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. ابن عبد ربه، أحمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، محمد علی بیضون، الصحابی فی فقه اللغه العربیه و مسائلها و سنن العرب فی کلامها، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، تحقیق هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. ابو الصلاح الحلبي، تقی بن نجم، تقریب المعارف، قم: الهادی، ۱۴۰۴ ق.

۱۷. ابو الطیب، عبد الواحد بن علی، مراتب النحویین، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المكتبة العصریه، ۱۴۳۰ق.
۱۸. ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، الأغانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۱۹. احسانی فر، محمد، «طرحی نو در تبیین غنای تفسیری در احادیث اهل بیت»، علوم حدیث، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۲۵۸-۲۷۳.
۲۰. آذرنوش، آذرتاش، «نگاهی به تاریخچه انتقاد در شعر جاهلی عرب»، معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، پاییز ۱۳۵۳، ش ۱۸، صص ۲۱-۲۹ و زمستان ۱۳۵۳، ش ۱۹، صص ۲۹-۳۶ و بهار ۱۳۵۴، ش ۶، صص ۲۰-۲۶.
۲۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۲۲. اسد، ناصر الدین، مصادر الشعر الجاهلی و قیمتها التاريخیه، قاهره: دار المعارف، چاپ پنجم، ۱۹۷۸م.
۲۳. الأشر، عبدالکریم، «ملاح من الصفات الفنيه للصحيفه السجادية»،
۲۴. الأفغانی، سعید، فی أصول النحو، بیروت: المكتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۵. اکبرنژاد، محمدتقی، «نقل به معنا در دعا و دوره پس از تدوین»، کاوشی نو در فقه، دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۷، صص ۹۹-۱۳۷.
۲۶. البحرانی، یوسف، الأنوار الحیریه و الأقمار البدیه الأحمديه، بی جا، بی تا.
۲۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۲۸. بغدادی، عبد القادر بن عمر، خزانه الأدب و لب لباب لسان العرب، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قاهره: مكتبة الخانجي، الطبعة الرابعه، ۱۴۱۸ق.
۲۹. پاکتچی، احمد، فقه الحدیث؛ مباحث نقل به معنا، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۴ش.
۳۰. جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر، البیان و التبيين، تحقیق علی أبو ملحم، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲م.
۳۱. جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر، رسائل الجاحظ؛ الرسائل الأدبیه، تحقیق: علی أبو ملحم، بیروت: دار و مكتبة الهلال، چاپ دوم، ۲۰۰۲م.
۳۲. جمال الدین أبو الحسن علی بن یوسف القفطی، إنباه الرواه علی أنباه النحاه، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار الفكر العربی، قاهره: بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۶ق.
۳۳. جندی، علی، فی تاریخ الأدب الجاهلی، مكتبة دار التراث، ۱۴۱۲ق.

۳۴. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت: دار الساقی، چاپ چهارم، ۱۴۲۲ق.
۳۵. حباس، محمد، «منهج نقد الرجال عند اللغویین العرب القدماء»، آفاق الثقافه و التراث، شوال ۱۴۲۸، شماره ۵۹، صص ۹۸-۱۱۲.
۳۶. حسین، محمد الخضر، دراسات فی العربیه و تاریخها، دمشق: المکتب الإسلامی - مکتبه دار الفتح، چاپ دوم، ۱۳۸۰ق.
۳۷. الحسینی الخطیب، السید عبد الزهراء، مصادر نهج البلاغه و إسانیده، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۵ق.
۳۸. حسینی، سید علیرضا و سید مصطفی مطهری، «نگاه راهبردی اهل بیت (علیهم السلام) در انتشار و پالایش حدیث شیعہ و موانع آن»، حدیث اندیشه، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۵۳-۶۹.
۳۹. دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد پنجم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
۴۰. دهقانی فیروزآبادی، حامد، «رویگرد منع‌گرایانه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) در معناشناسی قرآن؛ مبانی، رهیافت‌ها و نمونه‌ها»، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، استاد راهنما: دکتر علی راد، ۱۳۹۶ش.
۴۱. ذهبی، شمس‌الدین، سیر أعلام النبلاء، محقق مجموعه من تحقیقین بإشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۴۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد و علی کورانی عاملی، مفردات الراغب الإصفهانی مع ملاحظات العاملی، قم: دارالمعرف، ۱۴۳۴ق.
۴۳. رافعی، مصطفی صادق، تاریخ آداب العرب، دار الكتاب العربی، بی‌تا.
۴۴. زبیدی، أبو بکر محمد بن الحسن، طبقات النحویین و اللغویین، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، چاپ دوم، بیروت: دارالمعارف، بی‌تا.
۴۵. زجاجی، ابوالقاسم، الأمالی، تحقیق عبد السلام هارون، بیروت: دار الجیل، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
۴۶. زیدان، جرجی، تاریخ اللغه العربیه (الفلسفه اللغویه و الألفاظ العربیه، تاریخ اللغه العربیه)، بیروت: دار الحدائث، ۱۹۸۷م.
۴۷. سالم مکرم، عبدالعال، الكلمات الإسلامیه فی الحقل القرآنی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.
۴۸. سبکی، تاج‌الدین، طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق محمود محمد الطناحی، عبد الفتاح محمد الحلو، بیروت: هجر للطباعه و النشر و التوزیع، الطبعة الثانيه، ۱۴۱۳ق.

۴۹. سیستانی، علی، الرافد فی علم الأصول، تقرير منیر قطیفی، قم: لیتوگرافی حمید، ۱۴۱۴ق.
۵۰. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق: حمدی الدمرداش، بیروت: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۲۵ق.
۵۱. سیوطی، جلال الدین، الاقتراح فی أصول النحو، تحقیق: عبد الحکیم عطیه، دمشق، دار البیروتی، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۵۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، تحقیق فیض الإسلام، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۵۳. شلقانی، عبد الحمید، الأعراب الرواه، طرابلس: المنشأ العامه للنشر و التوزیع و الإعلان، چاپ دوم، ۱۳۹۱ق.
۵۴. شلقانی، عبد الحمید، روايه اللغه، قاهره: دار المعارف، بی تا.
۵۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعايه فی علم الدرایه، تحقیق: عبد الحسین محمد علی بقال، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، الطبعة الثانیه، ۱۴۰۸ق.
۵۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه (تفصیل و مسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه)، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۵۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۵۸. ضیف، شوقی، تاریخ الأدب العربی العصر الجاهلی، دار المعارف، بی تا.
۵۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۶۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۶۱. طبری، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامه علی بن أبی طالب (ع)، قم: کوشانپور، ۱۴۱۵ق.
۶۲. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
۶۳. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه (للطوسی)، قم: دار المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۶۴. عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقدیم، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ق.
۶۵. عبد الرحیم، عبد الجلیل، لغه القرآن الکریم، اردن: مکتبه الرساله الحدیثه، ۱۴۰۱ق.
۶۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق.

۶۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، تحقیق طوسی، محمد بن حسن؛ مصطفوی، حسن، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۶۹. مامقانی، عبد الله، مقياس الهدايه، تحقیق الشيخ محمد رضا المامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۱ق.
۷۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۷۱. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، روضه المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۷۲. مرزبانی، أبو عبيد الله محمد بن عمران، الموشح، تحقیق علی محمد البجاوی، قاهره: نهضه مصر، بی تا.
۷۳. مسعودی، عبدالهادی، آسیب شناخت حدیث، قم: زائر، ۱۳۸۹ش.
۷۴. مسلمی، عبدالله بن محمد، «القراءات القرآنيه و توجيهها فی كتاب العين»، مجله معهد الإمام الشاطبي للدراسات القرآنيه، العدد السابع، جمادى الآخرة ۱۴۳۰ق، صص ۲۸۸-۲۱۵.
۷۵. معارف، مجید، «بررسی سیر تاریخی کتابت حدیث در شیعه»، علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸.
۷۶. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۷. مفید، محمد بن محمد، الأمالی (للمفید)، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۸. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختاره، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۹. نصیبی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، مصحح: طباطبائی، عبد العزيز، بيروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۸۰. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله؛ حسن زاده آملی، حسن و کمرهای، محمد باقر، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و تکمله منهاج البراعه، تهران: مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
۸۱. یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم الأدباء، تحقیق إحسان عباس، بيروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۴ق.